

۴ عراق و ایجاب حکومت اسلام در آنجا بارها و بارها صحبت کرده اند. بنظر ما اینجاست که اگر بنا بر آنست که از آنجا که
مذبحه حطام ایران نیست. بیکه موضوع اقتضای در آنجا نشین کردن دارد. و اقتضای در آنجا نشین کردن
در تمام جنبه نشین داشته و دارد. عرب ما همواره بر عین آن جنبه بوده و هم اکنون هم نیز همین جنبه و
اهداف آنجاست. حطام ایران هم اکنون بجزیم بسیار کمتر نسبت به سالها اول شروع جنبه دارند
آنا علیهم السلام عرض کرده اند، نخست در این هدف ترسیده و آنا هم که در میان و در میان فقط
به حجاج بیایم کرد. این هم منتهی که جنبه دارد تحت لوای آن که در دهها پیشتر بود.

ایران در سال گذشته اعلام کرد، که این سال، سال پایان جنبه همراه با پیروزی ایران خواهد بود. آنا تمام
قدرت آریا در محلیت گردانید بود. و علیهم السلام و بیلیفات که برای آنا هم بوده، نتوانستند هم
کارش شرم عراق نزنند. آنا در آن محلیت بطور هم در تصرف نصیره قدر کرده بودند. آنا در نظر
داشتند، بر آن تصرف نصیره در آنجا در آن اعلام کنند. آنا حطام ایران در آن محلیت
نام شده اند. اکنون این عهد به چه سطحی سطح است. نمی توانیم بگوئیم آنا مطلقاً غرض است، نصیره
را بکنیم. آنا این امر همندان سلسله و آسان نخواهد بود. هم و در اصل فر توان گشت در شرایط فعلی تقریباً
ضرر محلی است. آنا ارایع امر اللهو بفرج بیرونند، دول عربی نه بخاطر عراق بلکه بخاطر مناطق خاص خود،
همین است و آنش هم در آنجا خواهد بود. بجز در آنجا که هم بخاطر علمیه هم که هم از کرد و عربی را بخاور
علمی هم در آنجا. بخاطر این امر است که به دول عربی هم در این هدف ترسیده و آنا هم. آنا هم
هم در آنجا در آنجا جنبه بسیار گدازنی را که در قاف و تصرف کرده است، در آنجا عراق در تحت کنترل
هم در آنجا آنا کرده و عربی است نه تصرف ما و در آنجا بیدار شده و ترسیده و آنا هم. آنا هم در آنجا تصرف
نصیره در هر قدرت در آنجا هم در آنجا. شدنی است که عربی بخاطر این امر است آنا هم در آنجا
این عهد را در آنجا در آنجا وقت دید. گمانی توازن هوا در آنجا هم در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
عربی خواهد بود. اعمال هم و هم در آنجا که ایران استایل هم امری و هم گدازنی آنا هم در آنجا
عراق را تصرف کند و دول عربی هم هم بر بنیاد و هم.

صفت ما، بطور هم در آنجا الحاق گله است. و این را بخاطر این سبب در نظر داشته است
و از همان آغاز جنبه، نسبت به تصرف ایرانی ایران در آنجا در آنجا و آنش هم در آنجا.
نیز هم در آنجا از صلح در میان مردم عراق، قابل توجه و در میان آنش است. آنا علیهم السلام
هم در آنجا مردم تنگ نظر و سردین بینی که سرانجام باور هستند که اگر ایران ببنیاید و هم در آنجا
را سرنگ کرده کند، امر همندان نااطمینان است. این روحم تحت شرایط مخالفت هم در آنجا در آنجا
در آنجا در آنجا هم در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
اعطارد در جنبه مقلی کردن در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

در جشن ملی کورستان . اجزاء مقدس و مورد دارن . جنب دکنات کورستان عراق (پارتی) ۴
به رهبر مسعود نازانی - اتحادیه میهنی کورستان به رهبر جلال طالبانی - جنب سوسیالیست کورستان
به رهبر - رسول مامند . جنب دموکراتیک خلق کورستان . به رهبر دکتر ساهی . این اجزاء
سابقاً در چهارچوب جنب دکنات کورستان متمرکز بودند . لاسخ زحمانع جشن ملی کورستان عراق
تحت عنوان پارتی راه انقلاب در اجزاء از روی آله سرسبز آگوردن . جدا
از این جنب "نیاسوک" وجود دارد که گروه کوچکی است که از مدتها قبل وجود دارد .

نیروی اتحادیه میهنی فعال هستند . نیرس مایل ملاعظمی در سیماسخ ، کرکوک و اربیل دارند . و افراد
با موافقت با زانها توانسته اند در بهدینان نیز حضور داشته باشند . نیرس مایل ترهیبی گروه در سیماسخ ، اربیل ، موصل و بهدینان دارند . روسای این مناطق
در سخن مایل توهم تحت نظر سترخان این اجزاء و جهت فاقه دارند . حکومت عراق در این
مناطق تنها در زردن پایگاهها و حاره های اصلی در رستاهای نزدیک شهرها همسوز واقع
دارد . البته علیه تخریب عراق همسوز ، عایقه وضعیت فعلی جنب ملی در کورستان با جنب
امیول تعداد بسیار وجود دارد . در آن سطح آنرا در تمام در عرفا کردها بود .

تمام کنسینگ یک جنب بنام جنب ملی دموکراتیک (حزب) در عراق داریم . جلال طالبانی تا کنون
و ادغام جنب شده است . قبلاً جنب این بنام (جوید) وجود داشت . مادر این جنب هم بودیم
را که در آن موقع جلال طالبانی نبود . بازنشانی و سوسیالیست ها وارد این جنب شوند . ما جدا
از عضویمان در هم هر وقت ، همراه با بازنشانی و سوسیالیست ها ، همه سه طرفه خود
را تکیس داریم . این امر باعث افتدک زیاد میان ما و جلال شد . و عهد عصرت
ما در هم هر وقت ملغی شد . همی بودیم از هم هر وقت هم که همسوز و محدود تر شد .
و با آنکه از سیمه رفت . هم اکثره عهد تھا جنب سیاسی موجود در عراق است
که هسنا جنب در همسوز آله همسوز است . جلال هر وقت فکر کند . این جنب
حلیه او صف تکیس شده است ، همسوز از عصرت در آله جنب بخزند .
جدا از خود ما در تکیس جنب از وسیع که هم نیرس دموکراتیک عراق را در بر
گیرد ، همسوز . جلال مایل دارد در عصرت تکیس وارد جنبی هم از خود جدا کند
نکرد کند ، با تکیس جنب وسیع ، خود که در وقت خود علی او شکل گرفته بود ، شکل و سر

هوا از منته جبهه ما با حلال شکل مبرر و اختیار یافتن قابل توجه در معرض قطع
 جنب ایران و عراق (اربع). آنا عمده از تلاطم اسب^{مید} جلوس در فرگشتند. هن در اوج اوا فرم
 منته قطع جنب بطور مبرر طرح بود. حلال در فکر اسب بودم راسی برار مذاکره با اسلام نیز در نظر
 داشته شد. که در شرایط مبرر تر شدن منته قطع جنب آن ایجا انذار کرد. چرا که حلال
 قدر کند، اگر اسب از تلاطم جنب هدام را سرنگون نکند، فترتگی گروگان عراق در شرایط کنونی
 منکر نخواهد بود، هدام را سرنگون کند. اینها همانند سپهر نبرد گروگانها بین رشتن نظردم ما بهر نامیده اسب
 جزده بوزن ناز و بوزن ناز، باور من گشته که اگر جنب مترقی شود نیز در عظیمی که اکنون در صیه و منته
 ازار شده و ترانز به نبرد هدامت اسب زبیرن عید هدم بسپونند.

هوا از اسب امر، رگین ل گشته مرفوع همه گروستانی هم یکی از مذاکرات ما با نبردهای
 گروگان بود، حلال طابانی بود است. فرضی ما در میان منته کرد و جنبی گروگان
 روشن و واضح است. در آن راه که به هر یک کوشید عراق و منته کرد به هرافت
 بیان کرده اسب. در سال ۱۹۸۰ عا هرز یک قدر سطح بودیم بر نریب که تا سهار
 میان هم نبردهای سیاسی گروگان در اسیران، عراق، ترکیه و سوریه ترتیب دهم. در اسب
 تا سهار نهایت بدش بود. که جهات مبارزه دستگیرین مردم کرد و همز روشن در اسب رابط
 رتم زده بود. ما اسب فکر با موتی با اجزا برادر در سوریه، ترکیه و عراق واقع گروگان بودیم.
 و هدم اسب فزونی گروگان نبردهای در جنب گروگان بود که گروگان هدم سوزش داشته اسب فکر
 ما محلی شد. در دلایل که :

- ۱- حلال طابانی حافظند در اسب تا سهار مطلقاً آشوب گشته.
- ۲- جنب دستک گروگان اسیران، حافظ سوز که گروگان اسیران هم ما او در اسب اسب سهار گشته
- ۳- روز نبردهای حلال با اسب هدام افتمد فاس در جنبی گروگان و او در مرحله مبرر کرد
- ۴- اسب بین اسب از ناگامی از مذاکره با اسب عراق، و با اسب دولت دوباره هم اسب اسب
 بیکباره سفارش بسیار گشته مانند حق بعضی سرفوت هفت کرد. تفصیل همه گروستانی را
 طرح کرد. ما در مباحثات با حلال طابانی در سال اخیر همواره تکرار داده ایم که حق بعضی
 سرفوت. سفارش اسب اسب و استراتژی ما در میان منته فاسی نظار اسب در عراق و با بعضی
 جنبی کرد است. اما به لحاظ تبدیل اسب سفارش اسب اسب، عجز اسب اسب و اسب
 ۳ وضعیت و شرایط سیاسی بیکباره اسب گشته کرد. در هر صحن همه گروستانی هم گشته ایم
 که ما مخالف جنبی هم گشته. اما نهایت روشن گردد. محترمانه اسب همه جنبی

جانب ما، در سال اخیر در هشتاد و هفت نفر از کورسای جوان، نقش برجسته‌ای در حل مسائلی که نبردهای علمی در آن است. جلال در دوره اخیر با طریقی از شیوه‌ها و فرایم، این نقش را هنوز مدیده کرده است و سوابق را هم در جنبه‌های مختلف در دست آوردیم. این سوابق را در باره‌ها بیشتر قابل ملاحظه است. اما در سوابق کورسای کورسای و جنبه‌های دیگر این کورسای، مناسب با سوابق هر جلال و تکرار که جلال به آنها نگاه کند بیشتر است. جلال قابل توجه است. جلال توانسته است با محکم کردن شعار، حق لغت سرزشت و جبهه کورسای، تا هر قایم توجهی این نبردها را تحت تأثیر قرار دهد.

رساله گذشته اولین اجلاس برای تکمیل این جبهه در اینجانب ترتیب داده شد. ما در این اجلاس نتوانیم شرکت کنیم. در بیان مضمون که در بیان این اجلاس صادر است. تأکید این جنبه‌ها بر وجود عیب بود و می‌باید حل شده کورسای با امر در کورسای در عراق نشود بود. در اجلاس دوم که در سالن آزاد شده ترتیب داده شده بود. تأکید این سازمان کورسای و جنبه‌ها مایم شرکت کردند جلال یک برنامه ۷ صفحه‌ای را جهت تقریب در این اجلاس ارائه کردند. این برنامه در چهار محور - هاشم بیانی، سابق با دید کامل، تنگ نظری، و تأسیساتی نوشته شده بود. با توجه به مخالفت نمایندگان جنبه‌ها و بازرسیها، این برنامه مورد تصحیح قرار گرفت. به همین جهت جلال برای تکمیل ارتش انقلابی کورسای که از وقت کمی و محدودیت‌های نبردهای علمی که را رهبر کند، مورد تصحیح قرار گرفت. ما در این اجلاس نتیجه‌ای که هم کورسای و باریت، جنبه‌های دیگر را حفظ کرده و بر بهت و حدت خود و کورسای و در تفریق و رفتن در عراق تأکید داشته باشد. جلال در این اجلاس به هدف خود رسید. و اکثری که به جنبه‌ها بر تئیس هم کورسای تأکید دارد. اما نسبت به سابق در سرفتی هم با هدف رهبران هم ~~...~~ امیدوار هستیم که نذارو.

کتابخانه ۱۳۶۶